

تفاوت های مدیر مسلمان و غیر مسلمان

در جهان بینی اسلامی

هادی مرادی



اشاره: دکتر حبیب الله دعایی، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیر مرکز پژوهشی قرآن و علوم اجتماعی در بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه است. ایشان مطالعات بسیاری در زمینه مدیریت بویژه مدیریت اسلامی انجام داده است. از جمله تالیفات وی می توان به، میانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، مدیریت منابع انسانی و - اشاره کرد. برگزاری دومین همایش ملی پژوهشی قرآنی حوزه و دانشگاه، بهانه ای شد تا در زمینه مدیریت اسلامی و چالش های پیش روی آن در عصر حاضر، گفتگویی با ایشان ترتیب دهیم و ارتباط میان قرآن و مدیریت و نقش آموزه های قرآنی در طراحی مدل و ساختار سازمانی مدیریت را بررسی کنیم که مشروح آن از نظر تان می گذرد.



• ابتدا تعریفی از مدیریت اسلامی که مبتنی بر قرآن است بفرمایید و بگویید که به طور کلی ارتباط میان علم مدیریت و قرآن چگونه است؟

• برداشتهای مختلف از مدیریت اسلامی مطرح شده است از جمله:

الف - عده ای معتقدند که علوم از قبیل مدیریت، روان شناسی، جامعه شناسی و حتی اقتصاد اسلامی و غیراسلامی ندارد و این تمایز ساخته عالمان متعصب مذهبی است که در پی سو استفاده از مذهب و اعتقاد مردم می باشند، لذا این گروه معتقدند که علمی به نام مدیریت اسلامی وجود خارجی ندارد و مدیریت فقهی مدیریت فقیهان است! بازار تجارت عالمان مذهبی است، نه مدیریت علمی.

ب - عده ای دیگر از مولفان مدیریت اسلامی را قبول دارند ولی مقصود آن را اداره جامعه اسلامی به گونه ای که مسلمانان را به اهداف خود برسانند و در دنیا عزیز شوند مطرح می کنند! به عبارت دیگر مقصود از مدیریت اسلامی اداره جامعه به گونه ای است که عزت اسلامی مسلمانان محقق شوند بنابراین مدیریتی که در دوران کوتاهی، پیشرفت، توسعه و ترقی کشورهایی از قبیل هند و ژاپن را به ارمغان آورد و بند اسارت آنان را گسست از نوع مدیریت اسلامی است. این گروه در پی رد این ادعا هستند که اسلام در عرصه مدیریت هم سخنی برای عرضه کردن دارد همین توهم موجب شده است که این سوال پی در پی تکرار شود که اسلام چه نقشی در مدیریت دارد؟

ج - گروهی از ساده انگاران مذهبی، مدیریت اسلامی را ارائه نظرات خاص برای حل مشکلات اجتماعی می دانند طبق این نظر کسی که مدیریت اسلامی را یاد گرفته است کلید حل مشکلات اجتماعی و سیاسی را بدست آورده است و در مورد هر مشکل و معضل اجتماعی نسخه ای ویژه و آماده از قرآن و حدیث را می تواند دریافت نماید! مثلاً برای اداره جامعه، فساد اداری، جلوگیری از تورم، روابط بین المللی و غیره روشن است که صاحبان این نگرش سطحی نه اسلام را شناخته اند و نه معیار صحیح مدیریت اسلامی را درک کرده اند.

د - گروهی دیگر مدیریت اسلامی را بررسی و توصیف نحوه مدیریت مدیران مسلمان در طول تاریخ می دانند در چنین دیدگاهی شیوه مدیریت و حکومت حضرت علی علیه السلام در صدر اسلام، صدور فرمان و دستورالعمل به عمال با بررسی کیفیت مدیریت ائمه معصومین (ع) و شخص نبی اکرم (ص) الگوهای مدیریت اسلامی است. بی تردید چنین برداشتی از مدیریت اسلامی صحیح است و علاوه بر توصیف واقعیات ممکن است درسهای عملی هم بتوان از آن استنتاج کرد! اما صحیح ترین معنای مدیریت اسلامی این نیست.



مدیریت اسلامی در راستای مدیریت جهان قرار دارد و باید همراه و هماهنگ با قوانین کلی و نظام آفرینش حرکت کند



سازماندهی و هماهنگی در جهان طبیعت و عالم خلقت به عالی ترین صورت مشاهده می شود و در مدیریت نیز باید چنان در عمق تشکیلات نفوذ کند که به صورت خودکار در برابر حوادث عمل نماید. در جهان طبیعت مجموعه فضولات و زباله ها به نحوی عمل می کنند که تبدیل به عناصر فعال می شوند. مدیریت های جامعه با الهام از این الگو باید تمام فضولات و زباله های خود را بازی سازی و وارد مدار کنند موضوعی که اکنون تحت عنوان تولید ناب از آن یاد می کنند.

*** برای جمع بندی بحث به، تفاوتها و ظرافتهای میان مدیر مسلمان با مدیر غیر مسلمان که اعتقادی به قرآن و جهان بینی قرآنی و اسلامی ندارد اشاره کنید.**

مدیریت اسلامی در راستای مدیریت جهان خلقت و اداره کننده سازمان آفرینش قرار می گیرد در چنین بینشی، مدیر به عنوان عضوی از اعضای نظام خلقت و تشکیلات سربرده شده به او، جزئی از اجزایی می باشد که باید همراه و هماهنگ با قوانین کلی در نظام آفرینش حرکت نماید. کسانی می توانند مدیر باشند که از نزدیک ترین افراد به خداوند سبحان باشند قدرت تاثیر همین مدیریت عالی بود که در عصر پیامبر از جامعه ای فقیر و ناتوان، جامعه ای نوین و متعالی ساخت به طوری که بعد از مدت کوتاهی امپراطوری های زمان را در هم کوبیدند. لذا مدیریت اسلامی در تداوم مدیر و مدیر یونان خداوند بوده و باید اصلاح کننده، پرورش دهنده باشد تا سازمان را به سر منزل مقصود برساند.

مسئله اصلی این است که بر پدیده های عالم مدیریت حساب شده و نظم خاصی حکم فرماست و بر پایه این تفکر، تمام مدیریت ها به مدیریت آویز می گردد و شاخه هایی از آن اصل پر بار محسوب می شود و همانگونه که تمام مالکیت ها از او سرچشمه می گیرد و مالک تمام عالم هستی اوست و به انسانها آزادی، اراده، لیاقت، مالکیت و مدیریت در محیط زندگی بخشیده است. مدیریت اسلامی در راستای مدیریت جهان قرار دارد و باید همراه و هماهنگ با قوانین کلی و نظام آفرینش حرکت کند. لذا اصول مدیریت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را می توان در اصول مدیریت الهی در عالم هستی جستجو کرد.

مدیریت خداوند بر پایه رحمت عام و خاص است. مدیریت اسلامی نیز در تمام زمینه ها بر اساس رحمت عام (محبت نسبت به دوست و دشمن) و رحمت خاص (محبت ویژه به دوستان لایق و شایسته) استوار است. از این رو مدیر پیرو همان پیوند دوستی، صفا و صمیمیت و محبت است تا یک مجموعه با قدرت به پیش رود.

ه - واقعیت این است که همان طور که در تعریف مدیریت گفته شده است مدیریت هر جامعه برخاسته از نظام ارزشی حاکم بر آن جامعه است، لذا اسلام که دارای نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است مدیریت و مدیران را تحت تاثیر قرار می دهد. در روشهای عملی آنها اثر می گذارد و به حرکت آنها جهت می دهد. اسلام چیست؟ و ارزشهای اسلامی کدام است؟ اسلام و ارزشهای اسلامی همان چیزی است که در قرآن آمده و قرآن همان است که در عصر بعثت نازل شده است و در مورد تمام شئون زندگی انسان، از جمله مدیریت خرد و کلان، رهبری جامعه، روابط بین المللی و قانون سخن دارد و بالاترین نقش آن به عنوان یک دین، تاثیر گذاری آن از طریق « نظام ارزشی » است.

*** با این حال، امروز، علم مدیریت چقدر و امدهار میانی قرآنی و الهی است و یا اسلام چه نقشی در مدیریت دارد؟**

تا آنچه که به عنوان علم مدیریت اکنون مطرح است بر خواسته از تحقیقات صاحب نظران علم مدیریت در غرب است. و چون بر اساس تحقیق و پژوهش بدست آمده است در بسیاری از موارد ریشه و پایه آن را در میانی اسلام می توان مشاهده نمود. لذا در پاسخ قسمت اول سوال چنین می توان بیان نمود که به صورت مستقیم نمی توان سهمی برای آن قائل شد ولی در پاسخ قسمت دوم سوال میانی اسلامی پایه گذار علوم در غرب بوده است و در بحث مدیریت نیز به طریق اولی.

جامعه ما یک جامعه اسلامی است و به همین دلیل ساختارهای سازمانی آن هم باید مبتنی بر همین اصول و عقاید اسلامی و قرآنی باشد، با این مقدمه چقدر ساختارهای سازمانی کشور ما بر اساس این اصول طراحی شده است؟

در پاسخ به این سوال باید این سوال را مطرح کرد که طی این سی سال پس از انقلاب شکوهمند اسلامی چقدر صاحب نظران مدیریت توانسته اند اصول و میانی مدیریت اسلامی را تبیین و تدوین نمایند تا مدیران بر آن اساس عمل نمایند؟ که پاسخ این سوال منفی می باشد.

*** همانطور که گفتید نظریات اخیر مدیریت و سازمان در غرب بر پایه ارزشها تدوین شده است؟ این گرایش را چگونه تفسیر می کنید؟**

به اعتقاد بعضی از صاحب نظران هدف همه تئوری های مدیریت در غرب بهره کشی از انسان است. لذا به هر طریق که میسر است کارکنان باید افزایش یابد چه از طریق ابزارهای اقتصادی و چه از طریق میانی ارزشی. پس پاسخ سوال مذکور را نباید به ظهور مجدد اسلام در دهه های اخیر و با میانی ارزشی اسلام در غرب تلقی کرد.

*** قرآن حاوی دستور العمل های رفتاری و اخلاقی بسیاری در رابطه با مدیریت اسلامی است می توانید به چند نمونه اشاره کنید؟**

بهری از دستور العمل های رفتاری و اخلاقی قرآن در رابطه با مدیریت اسلامی عبارتند از:

مدیریت الهی، اصل ساخته شدن و بالنده شدن انسانها را تعقیب می کند و هر گونه دگرگونی را با دگرگونی انسان مرتبط می داند. در مدیریت جوامع انسانی نیز مساله اصلی ساخته و بالنده شدن انسانها می باشد. آنها که تکیه اصلی را بر ابزار می کنند راه خطا می بینند. به عبارت بهتر هدف اسلام رستگاری انسان ها در دو جهان است.

